



## ویژگی‌های باورهای شیعی - 5 - اعتقاد به بدا - 2 -

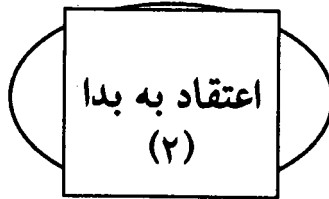
پدیدآورده (ها) : سبحانی، جعفر  
فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: آبان 1390 - شماره 606  
از 7 تا 17  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/898289>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان  
تاریخ دانلود : 28/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



### بدا در نظر روایات و تاریخ پیامبران

#### تغییر سرنوشت با عمل در روایات

روایات حاکی از این که انسان با اعمال خود، می‌تواند بسیاری از سرنوشت‌ها را دگرگون سازد، فزون‌تر از آن است که در این جا به تفصیل آورده شود. ولی می‌توان به برخی از اینگونه اعمال اشاره کرد مانند:

۱. صدقه و احسان، ۲. استغفار، ۳. نیکی به والدین، ۴. دعا، ۵. شکر نعمت و ادای حق آن و این‌گونه اعمال که سرنوشت را عوض می‌کند و قضای الهی را دگرگون و غم و غصه را از آسمان زندگی دور می‌سازد و مایه افزایش در روزی می‌شود و یا مایه نزول باران و طولانی شدن عمر و دوری اجل می‌گردد. در مقابل، اعمال بدی هستند که نتیجه معکوسی دارند، مانند بخل ورزیدن، بداخلاقی، قطع رحم، عقوق والدین، تندخویی، کفران نعمت و امثال آن‌ها. بنابراین، انسان سرنوشت ثابتی ندارد، بلکه می‌تواند سرنوشتی را با سرنوشت دیگر عوض کند، همان‌گونه که در آیات و روایات خواندیم.

اینک به عنوان نمونه برخی از روایات را در این زمینه متذکر می شویم:

### ۱. اثر صدقه

امام هشتم علیه السلام از پدران خود از رسول خدا چنین نقل می کند: «باکروا بالصدقة فمن باکر بها لم يتخطاها البلاء».

«روز خود را با صدقه آغاز کنید، هرگز بلا نمی تواند از دیوار صدقه عبور کند».

### ۲. اثر استغفار

امیر مؤمنان می فرماید: «اکثروا الاستغفار تجلبوا الرزق»؛ «بسیار استغفار کنید تا روزی شما فراوان گردد».

### ۳. اثر دعا

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إنّ الدعاء يردّ القضاء وإنّ المؤمن ليأتي الذنب فيحرم به الرزق»<sup>(۱)</sup>.

«دعا؛ قضای بد را بر می گرداند و در مقابل، مؤمن گناهی می کند و از روزی محروم می شود».

این تنها شیعه نیست که این

۱. صدقه و احسان، ۲. استغفار، ۳. نیکی به والدین، ۴. دعا، ۵. شکر نعمت و ادای حق آن و این گونه اعمال که سرنوشت را عوض می کند و قضای الهی را دگرگون و غم و فحشه را از آسمان زندگی دور می سازد و مایه افزایش در روزی می شود و یا مایه نزول باران و طولانی شدن عمر و دوری اجل می گردد. در مقابل، اعمال بدی هستند که نتیجه معکوسی دارند، مانند بخل ورزیدن، بداخلاقی، قطع رحم، حقوق والدین، تندخویی، کفران نعمت و امثال آنها.

بنابراین، انسان سرنوشت ثابتی ندارد، بلکه می تواند سرنوشتی را با سرنوشت دیگر عوض کند، همان گونه که در آیات و روایات خواندیم.

۱. قرب الاسناد، ص ۳۲، شماره ۱۰۴، چاپ آل البيت علیهم السلام.

روایات را نقل کرده است، بلکه محدّثان اهل سنت نیز شبیه آن را نقل کرده‌اند و بسیاری از این روایات را جلال‌الدین سیوطی در کتاب «الدرالمشثور» آورده است<sup>(۱)</sup>.

به عنوان نمونه وی در مورد دعا از ابن ابی شیبہ در مصنّف و ابن ابی‌الدنیا از ابن مسعود چنین نقل می‌کنند: «هیچ بنده‌ای نیست که با این دعا خدا را بخواند مگر این‌که خدا درآمد او را افزایش می‌دهد و آن دعا این است:

«يا ذا المن و لا يمن عليه، يا ذا الجلال و الإكرام يا ذا الطول لا إله إلا أنت، ظهر اللاجين و جار المستجيرين و مامن الخائفين إن كنت عندك في أم الكتاب شقياً فامح عني اسم الشقاء و أثبتني عندك سعيداً و إن كنت كتبني عندك في أم الكتاب محروماً مقترأ على رزقي فامح حرمانی و يسّر رزقي و أثبتني عندك سعيداً موفقاً بالخير فإنك تقول في كتابك الذي أنزلت: «يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أم الكتاب».

«ای خدایی که بر همگان منت می‌گذاری و کسی را بر تو منتی نیست، ای خداوند صاحب بزرگی و احترام، ای صاحب نعمت، جز تو خدایی نیست، پشتیبان پناهندگان و پناه دهنده پناهجویان و آسایشگاه ترسندگان، هستی. اگر مرا نزد خود در ام‌الکتاب از افراد بدبخت ثبت کرده‌ای، نام مرا از شمار بدبختان پاک کن و در شمار خوشبختان بنویس و اگر در ام‌الکتاب نام مرا از بینوایان نوشته‌ای، تا روزی را بر من تنگ گردانی، نام مرا از محرومان و بینوایان پاک کن و روزیم را آسان بفرما و مرا در شمار نیک‌بختان نزد خود بنویس، زیرا تو در کتاب خویش که فر فرستاده‌ای آورده‌ای؛ خدا آنچه را بخواهد پاک می‌کند و آنچه را بخواهد پابرجا می‌سازد و ام‌الکتاب - دفتر اصلی - پیش اوست»<sup>(۲)</sup>.

۱. الدر المنثور، ج ۴، ص ۶۶.

۲. الدر المنثور، ج ۴، ص ۶۶.

اکنون که با واقعیت بدا آشنا شدیم و این که «بدا» یک اصل تربیتی است و هشدار می دهد که گنه کاران نباید تصور کنند که اگر مرتکب گناهی شدند، دیگر سرنوشت آن ها قابل دگرگونی نیست، زیرا این آموزه قرآنی به نام «بدا» به ما می آموزد که سرنوشت بد، با کارهای نیک و از آن جمله استغفار، دگرگون می گردد. از این جا به عظمت سخنی که امام باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام فرموده اند، پی می بریم. آن جا فرموده اند:

«ما عُبدَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بشيءٍ مثل  
البداء»<sup>(۱)</sup>. «خدا با چیزی مانند بدا شناخته  
نشده است».

واژه «عُبد» در این حدیث به معنی  
«عرف» است. اعتقاد به بدا بیانگر قدرت  
و عظمت خدا است و این که اگر بنده  
گنه کار شرایط را دگرگون سازد، تقدیر نیز  
با آن هماهنگ می شود، در صورتی که  
انکار اصل بدا، کاستن از قدرت اوست و  
این که او در برابر تقدیر نخست، دست  
بسته است و لذا می فرماید: «ما عبد الله  
بشيء مثل البداء».

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام  
نقل می کند که او فرمود: «ما عَظَّمَ اللهُ

امام هشتم علیه السلام از پدران خود از  
رسول خدا چنین نقل می کند: «باکروا  
بالصدقة فمن باکر بها لم يتخطاها البلاء».  
«روز خود را با صدقه آغاز کنید،  
هرگز بلا نمی تواند از دیوار صدقه عبور  
کند».

۲. اثر استغفار

امیر مؤمنان می فرماید:  
«أكثرُوا الإِسْتِغْفَارَ تَجَلَّبُوا الرِّزْقَ»؛  
«بسیار استغفار کنید تا روزی شما فراوان  
گردد».

۳. اثر دعا

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ  
الدَّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَأْتِي  
الذَّنْبَ فَيَحْرَمُ بِهِ الرِّزْقَ»

۱. بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۰۷، باب البداء، ح ۱۹.

بمثل البداء»<sup>(۱)</sup>. «خدا با چیزی مثل بداء تعظیم نشده است».

و باز امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر مردم می دانستند که در اعتقاد به بداء چه پاداشی هست، هرگز از سخن گفتن درباره آن خسته نمی شدند<sup>(۲)</sup>.  
تا این جا با واقعیت بداء از نظر ثبوت، آشنا شدیم ولی باید به تفسیر بداء در مقام اثبات و بهره گیری انبیاء و اولیاء از آن آشنا شویم. اکنون به توضیح این مطلب می پردازیم:

#### بدا در مقام اثبات

خداوند جهان از همه چیز، خواه گذشته و خواه حال و آینده آگاه است. گذشته از علم ذاتی - که عین ذات اوست - دو مظهر دیگر برای علم خدا هست:

#### ۱. لوح محفوظ

قرآن کریم به این مظهر از علم خدا چنین اشاره می کند:

«بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ \* فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ»<sup>(۳)</sup>.

«این قرآنی گرانقدر است که در صفحه ای به دور از هرگونه دگرگونی جای دارد».

در آیه دیگر می فرماید:

«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ

تَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ»<sup>(۴)</sup>.

«هیچ مصیبتی در روی زمین یا در جان شما رخ نمی دهد، مگر این که قبلاً در کتابی

نوشته شده است، و این کار، برای خدا آسان است».

۱. بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۰۷، باب البداء، ح ۲۰.

۲. توحید صدوق، باب بداء، ح ۲.

۳. حدید، ۲۲.

۴. بروج، ۲۱ - ۲۲.

در این مرتبه از علم، کلیه حوادث جهان چه حوادث بالا و چه حوادث پایین، به طور دقیق منعکس است و هیچ نوع تغییر و دگرگونی در آنها نیست، تو گویی لوح محفوظ نقشه‌ای از ماسوی الله است که سر سوزنی با عینیت خارجی فرق نمی‌کند.

## ۲. لوح محو و اثبات

دومین مظهر از مظاهر علم خدا، لوحی است که به نام محو و اثبات، یعنی نقشه‌ای و یا تقدیری از هر پدیده‌ای پیش از آن‌که تحقق پذیرد، در آن منعکس می‌شود. ولی چه بسا این نقشه محو شده و نقشه دیگری جای آن را بگیرد و هر دو تقدیر درست است. تقدیر

«بدا» یک اصل تربیتی است و هشدار می‌دهد که گنه کاران نباید تصور کنند که اگر مرتکب گناهی شدند، دیگر سرنوشت آنها قابل دگرگونی نیست، زیرا این آموزه قرآنی به نام «بدا» به ما می‌آموزد که سرنوشت بد، با کارهای نیک و از آن جمله استغفار، دگرگون می‌گردد

نخست معلق بر این بود که کاری صورت نگیرد، مثلاً استغفار نکنند، یا صدقه ندهد. اما وقتی که صدقه داد و استغفار کرد، قهراً آن تقدیر، دوره‌ای دارد که با این عمل به سر می‌آید.

به دیگر سخن: هر پدیده‌ای در جهان، به وسیله یک رشته اسباب و مسببات و علل و معالیل که چه بسا به هزاران برسد، تحقق می‌پذیرد. هرگاه پدیده را به علت ناقصه نسبت بدهیم، حالت اقتضاء خواهد داشت نه حالت قطعی، در این هنگام انبیاء و اولیاء، که شایستگی ارتقا و خواندن لوح محو و اثبات را دارند، تقدیر پدیده

را می‌بینند و از آن، گزارش می‌دهند درحالی که شرط این پدیده را، -که بعداً محقق نشده-، ندیده و آشنا نشده‌اند، و لذا وقتی گزارش آنان با خارج تطبیق نکرد، می‌گوییم بدا رخ داد، یعنی نبی و ولی، تقدیر نخست را دیده، اما از تقدیر دیگر آگاه نبود و اگر آگاه می‌شد، دومی را گزارش می‌کرد نه اولی را، اما در عین حال، نبی الهی در گزارش خود صادق و راستگو بوده است. اینک ما نمونه‌هایی از این نوع گزارش‌ها را که تحقق نپذیرفت و در قرآن مجید به آن‌ها اشاره شده است، می‌آوریم:

### ۱. بدا در ذبح اسماعیل

قرآن در داستان اسماعیل چنین می‌گوید:

«فَبَشِّرْهُ بِبُحْلٍ حَلِيمٍ. فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمِرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»<sup>(۱)</sup>.

«ما ابراهیم را به نوجوانی بردبار بشارت دادیم، وقتی به حدی رسید که می‌توانست در زندگی به پدر کمک کند، به او گفت: فرزندم من در خواب دیدم که باید تو را ذبح کنم، بنگر نظر تو چیست؟ گفت: پدر! هرچه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت.»

«فَلَمَّا أَسْلَمَا لِلْجَبِينِ. وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ. قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ.»

«هنگامی که هر دو آماده انجام کار شدند و ابراهیم، پیشانی او را بر خاک نهاد، به او ندا دادیم که ای ابراهیم آنچه را در خواب مأموریت یافته‌ای انجام دادی، ما این‌گونه نیکوکاران را

۱. صافات، ۱۰۱.



جزا می‌دهیم، این مسلماً امتحان مهم و آشکاری است».

جمله «أَنْتِي أَذْبَحُكَ» حاکی از آن است که در عالم خواب به او الهام شده بود که باید فرزند خود را ذبح کنی، یعنی فرمان رسیده بود که باید چنین و چنان کنی، و او هم از این واقعیت خبر داد، اما پیش از آنکه امر الهی تحقق پذیرد، آن تقدیر عوض شد و تقدیری دیگر جای آن آمد و آن این‌که به جای ذبح اسماعیل، ذبح عظیمی جایگزین آن شد، چنان‌که می‌فرماید:

«وَقَدْ نِئَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ»<sup>(۱)</sup>. «ذبح عظیمی را فدای او کردیم».

ابراهیم خلیل، در لوح محو و اثبات، جریان امر به ذبح اسماعیل را مشاهده کرد و گزارش داد، اما از ناسخ آن و دگرگونی این تقدیر آگاه نبود و آن این‌که این تقدیر مشروط به شرطی بوده که محقق نشده و لذا ذبح اسماعیل، منسوخ شد و ذبح دیگری جای آن را گرفت.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۲. سرگذشت یونس پیامبر

حضرت یونس، روزگاری دراز، بستگان خود را به یکتاپرستی دعوت کرد، اما از آنان، پاسخ درستی نشنید، سرانجام، به آنان گفت: اگر ایمان نیاورید تا سه روز دیگر عذاب الهی شما را فرا خواهد گرفت، اما سه روز گذشت از عذاب خبری نشد هرچند نشانه‌های عذاب در آسمان، آشکار گشت اما نتیجه‌ای نداد. در این مورد می‌گویند: «بدا رخ داد». این نه به این معنی است که «برای خدا بدار رخ داد»، بلکه از دیدگاه بشر در این حادثه بدار رخ داده است، در حقیقت یونس در ارتباط خود با لوح محو و اثبات، مقتضی عذاب را دیده و از آن گزارش داده بود در حالی که نزول

۱. صفحات، ۱۰۷.

عذاب، مشروط بر این بود که قوم وی، از کرده خود پشیمان نشده و راه توبه پیش نگیرند. قرآن در این مورد می‌فرماید:

«فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ»<sup>(۱)</sup>.

«چرا هیچ‌یک از شهرها و آبادی‌ها (به هنگام مشاهده نشانه‌های عذاب) ایمان نیاوردند که ایمانشان سودمند باشد؟! مگر قوم یونس، آن‌گاه که ایمان آوردند، عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تا مدت معینی آن‌ها را بهره‌مند نمودیم.»

در این جا این سؤال پیش می‌آید که چرا ایمان اقوام دیگر به هنگام رؤیت

نشانه‌های عذاب سودی نبخشیده

اما ایمان قوم یونس سودمند

گشت؟ شاید علت آن این باشد که

ایمان اقوام دیگر ایمان واقعی

نبوده، بلکه ایمان آن‌ها مولود ترس

از عذاب بود، به گونه‌ای که اگر

عذاب برطرف می‌گشت، آنان نیز

به راه پیشین خود ادامه می‌دادند،

در صورتی که ایمان قوم یونس،

ایمان واقعی بود. یعنی از درون به

راستی و درستی دعوت یونس

«و يَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ  
الْمَاكِرِينَ». انفال، ۳۰.

«آنان حيله می‌ورزند، خدا نیز حيله  
می‌ورزد و خدا بهترین حيله‌ورزان است.»

خدا در این آیه در حقیقت کار خود را  
که خنثی کردن برنامه‌های ناجوانمردانه  
آن‌هاست «حيله» می‌نامد تا هماهنگ با  
سخن طرف باشد. چون آنان حيله می‌ورزند  
مقتضای بلاغت این است که خنثی کردن  
حيله را نیز «حيله» بنامد.

ایمان آوردند و لذا پس از رفع عذاب نیز بر همان راه راست باقی ماندند.

نتیجه این که: گزارش یونس درست بود که عذاب، آن‌ها را فراخواهد گرفت و لذا وقتی نشانه‌های عذاب را دیدند، رو به بیابان‌ها نهادند و کودکان و چارپایان را همراه خود بردند. حتی مادران را از فرزندان جدا ساختند، و لباس‌های درشت و خشن و بی‌ارزش بر تن کردند و از این راه ذلت و زبونی خود را در پیشگاه خدا به نمایش گذاشتند. قهراً رحمت الهی نیز فرود آمد. در این مورد می‌گویند «بدا رخ داد» یعنی از نظر ظاهر قرار بود که عذاب فرود آید ولی از نظر واقع، قرار بود که عذاب، از نیمه راه برگردد. چون ادامه عذاب مشروط بر این بود که آن‌ها به شرک و ناسپاسی خود، ادامه دهند. ولی چون، این شرط حاصل نشد، عذاب هم برطرف گشت.

### ۳. میعاد سی شبۀ حضرت موسی

موسی بن عمران، به قوم خود گفت: من سی شب از شما دور خواهم بود، زیرا خدایم به من وعده داده که سی شب در میقات به سر ببرم و من هارون را جانشین خود قرار می‌دهم، وقتی سی شب به سر آمد، خدا ده شب دیگر نیز بر آن افزود، در این جا دو واقعیت هست: یکی آن که موسی سی شب - نه بیشتر - در میقات خواهد بود، دوم این که سی شب به چهل شب تبدیل گشت. موسی بن عمران، در پرتو ارتباط با لوح محو و اثبات، حضور سی شبۀ خود را در میقات، مشاهده کرد. و لذا خبر به سی شب داد ولی از ناسخ آن به چهل شب، آگاه نبود. قرآن این حقیقت را در آیه یاد شده در زیر می‌فرماید:

﴿وَاعْذِنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاتَّمَنَّاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلَفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

«ما به مدت سی شب با موسی قرار ملاقات گذاشتیم و سپس با ده شب (دیگر) آن را

۱. اعراف، ۱۴۲.

کامل کردیم به این ترتیب وعده پروردگارش با او چهل شب تمام شد و موسی به برادرش هارون گفته بود: جانشین من در میان ملت من باش و امور آن‌ها را اصلاح کن و از روش مفسدان پیروی نکن».

بنابراین، آن‌گاه که سی شب، تبدیل به چهل شب شد، کلمه «بدا» به کار می‌رود، یعنی گزارش اول (سی شب نه بیشتر) به ظاهر درست بود، ولی در باطن، شرط آن موجود نبود و لذا تبدیل به چهل شب شد.

از این آیات استفاده می‌شود که اولاً تقدیری با تقدیر دیگر، زیر و رو می‌شود و ثانیاً بندگان صالح خدا، یعنی آموزگاران الهی گاهی گزارش می‌دهند، اما این گزارش با این‌که علائم بر صدق آن گواهی می‌دهد، محقق نمی‌شود. در این مورد می‌گویند: «بداالله» و در حقیقت یک نوع استعمال مجازی است. خدا از روز نخست می‌دانست که تقدیر اول پایدار نخواهد بود، و تقدیر دوم، جای آن را خواهد گرفت. اما از نظر مستمعان که آگاه از همه واقعات نیستند، این کار به «بدا» تفسیر می‌شود. از این رو آن‌گاه که بخوانند به خدا نسبت بدهند، از همان دیدگاه ویژه خود می‌گویند: «بداالله!» و بهتر آن است که این نوع تعبیرها را از مقوله مشاکله بدانیم چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

«آنان حيله می‌ورزند، خدا نیز حيله می‌ورزد و خدا بهترین حيله‌ورزان است».

خدا در این آیه در حقیقت کار خود را که خنثی کردن برنامه‌های ناجوانمردانه آن‌هاست «حيله» می‌نامد تا هماهنگ با سخن طرف باشد. چون آنان حيله می‌ورزند مقتضای بلاغت این است که خنثی کردن حيله را نیز «حيله» بنامد.